



مجتبی کلباسی - علی اکبر وحیدی

این مقاله و مقاله‌های بعدی به بحث بصیرت در قرآن و ضرورت و آثار آن خواهد پرداخت. در آغاز چند بحث مقدماتی ارائه و سپس دیگر مباحث مطرح خواهد شد.

### بصیرت در لغت و اصطلاح

بصیرت از واژه «بصر» به معنای چشم گرفته شده، و در لغت به معنای «درک قلب»، «بینایی دل»، «عقل و زیرکی» و «علم» ترجمه شده است. صحاح اللغه و قاموس «حجت و دلیل» را یکی از معانی بصیرت شمرده‌اند. و این ظاهراً بدان جهت است که حجت و دلیل سبب بصیرت و بینایی دل است.

با توجه و دقت در معانی لغوی بصیرت، چنین به دست می‌آید؛ انسان بصیر به کسی گفته می‌شود، که به مسایل آگاهی کامل داشته و اعتقاداتش بر اساس حجت و برهان است. و همین آگاهی، حجت و برهان و همچنین عقل و زیرکی موجب می‌شود که بینایی دل پیدا کرده و بتواند حق را از





باطل به خوبی تشخیص دهد.

### موارد کاربرد در قرآن

کلمه بصیرت در قرآن ۲ بار آمده است:

۱. یوسف ۱۰۸: « قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ بگو، این راه من است، راه من و پیروانم و با بصیرت کامل، همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنم.

۲. قیامت ۱۴: « بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ؛ بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است.

جمع کلمه بصیرت، ابصار و بصائر است؛ «بصائر» همیشه جمع بصیرت است ولی «ابصار» هم جمع «بصر» به معنای چشم است و هم جمع «بصیرت».

«بصائر» پنج‌بار در قرآن آمده است؛

۱. اسراء ۱۰۲: « قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ...؛ (موسی) گفت: «تو می‌دانی این آیات را جز پروردگار آسمان‌ها و زمین - برای روشنی دل‌ها - نفرستاده ...»

۲. قصص ۴۳: « وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ...؛ و ما به موسی کتاب آسمانی دادیم بعد از آن‌که اقوام قرون نخستین را هلاک نمودیم، کتابی که برای مردم بصیرت‌آفرین بود ...»

۳. انعام ۱۰۴: « قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ...؛ دلایل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد...»

۴. اعراف ۲۰۳: «... هَذَا بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛ ...» این (قرآن) وسیله بینایی از طرف پروردگارتان و مایه هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند.

۵. جاثیه ۲۰: « هَذَا بَصَائِرٌ لِلنَّاسِ وَهَدًى وَرَحْمَةً لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ؛ این (قرآن و شریعت آسمانی) وسایل بینایی و مایه هدایت و رحمت است برای مردمی که (به آن) یقین دارند.

ابصار (جمع بصیرت) نیز در آیات مختلفی از قرآن آمده است:

۱. آل عمران ۱۳ و نور ۴۴: « إِنْ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لَأُولِي الْأَبْصَارِ؛ قطعاً در آن عبرتی است برای صاحبان بصیرت.

۲. حشر ۲: « فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان





بصیرت.

۳. ص ۴۵: «وَادْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»؛  
و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را، صاحبان دست‌ها  
(ی نیرومند) و چشم‌ها (ی بینا).

### واژه‌های مترادف و مرتبط با بحث بصیرت در قرآن

واژه‌هایی که مرتبط با بحث بصیرت است عبارتند از: علم، عقل، رأی، بصر،  
نظر، فهم، فقه، فکر، شعر ... .

در ضمن از واژه‌هایی که مقابل و متضاد کلمات فوق می‌باشند نیز می‌توان  
در بحث بصیرت استفاده کرد، مانند: ضل، جهل، صم، عمی، بکم و ... .

### ضرورت بصیرت

درباره اهمیت بحث بصیرت باید متذکر شد گستردگی آمار آیاتی که بحث  
بصیرت را مطرح کرده‌اند، بیانگر اهمیت و ضرورت این موضوع است، برای  
نمونه به برخی واژه‌های مرتبط با این بحث در آیات قرآن و تعداد تکرار  
آن اشاره می‌کنیم:

واژه نظر: ۵۰ بار

واژه عقل: ۴۹ بار

واژه شعر: ۲۵ بار

واژه فقه: ۲۰ بار

واژه فکر: ۱۸ بار

واژه فهم: ۱ بار

برخی از واژه‌های متقابل و متضاد نیز که در این بحث مورد استفاده قرار  
می‌گیرند عبارتند از:

واژه ضل: ۱۸۹ بار

واژه عمی: ۳۳ بار

واژه جهل: ۲۴ بار

واژه صم: ۱۵ بار

واژه بکم: ۶ بار





مجموع موارد فوق بیش از ۴۳۰ آیه است، البته علاوه بر این موارد واژه «علم» نیز ۸۵۴ بار، واژه «رأی» ۳۲۸ بار و واژه «بصر» ۱۴۸ بار در قرآن آمده است، که در موارد زیادی از آن‌ها می‌توان پیرامون این بحث استفاده کرد، ولی مواردی در این سه واژه وجود دارد، که مرتبط با بحث بصیرت نیست که با تحقیق بیشتر بایستی آیات مرتبط با بحث بصیرت را از دیگر موارد تفکیک کرد.

درباره ضرورت و اهمیت بصیرت، آیات فراوانی قابل استناد است که نمونه‌هایی از آن ذکر می‌شود:

۱. ایجاد بصیرت، هدف نزول قرآن ابراهیم ۵۲: «هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ»؛ این (قرآن) ابلاغی است برای (عموم) مردم، تا همه انذار شوند و بدانند او معبود واحد است.

از آن‌جا که آیات این سوره و همچنین تمامی قرآن جنبه دعوت به توحید و ابلاغ احکام الهی به مردم و انذار آن‌ها در برابر تخلفاتشان دارد، در آخرین آیه سوره ابراهیم می‌فرماید: این (قرآن) ابلاغ عمومی برای همه مردم است و اندازی است برای آنان و هدف این است که بدانند او معبود واحد است (وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ) و منظور این است که صاحبان مغز و اندیشه متذکر شوند. (وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ).

۲. ایجاد بصیرت، هدف از فرستادن پیامبران جمعه ۲: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»؛ او کسی است که در میان مردم درس ناخوانده، پیامبری از خودشان برانگیخت که آیات را بر آنان می‌خواند و پاکشان می‌سازد و کتاب و حکمت به آنان می‌آموزد....

۳. ایجاد بصیرت، هدف از فرستادن پیامبر گرامی اسلام ال عمران ۱۶۴: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ...»؛ خداوند بر مؤمنان نعمت بزرگی بخشید هنگامی که در میان آن‌ها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آن‌ها می‌خواند و پاکشان می‌سازد و کتاب و حکمتشان می‌آموزد....





در این آیه نیز همانند آیه قبل یکی از اهداف فرستادن پیامبر، ایجاد بصیرت در بین مردم بیان شده است.

۴. بصیرت از ویژگی‌های پیامبران  
ص ۴۵: «وَأَذْكُرْ عِبَادَنَا إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ»؛ و به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان دست‌های (نیرومند) و چشم‌های (بینا).

خداوند در این آیه بعد از توصیف پیامبران به مقام عبودیت، پیامبران را به داشتن «درک و تشخیص و بینش قوی» و «قوت و قدرت کافی» توصیف کرده است.

انسان برای پیشبرد هدف‌هایش نیاز به دو نیروی درک و تشخیص و نیروی کار و عمل دارد و به تعبیر دیگر؛ باید از «علم» و «قدرت» کمک گرفت تا به هدف واصل گشت.

از بیان فوق به خوبی روشن شد که دست و چشم در این آیه به معنی دو عضو نیست چرا که بسیاری از افرادی که دارای این دو عضوند اما نه درک و شعور کافی دارند و نه قدرت تصمیم‌گیری و نه توانایی بر عمل بلکه کنایه از دو صفت «علم و قدرت» است.

۵. بصیرت از ویژگی‌های پیامبر گرامی اسلام  
یوسف ۱۰۸: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي»؛ بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.

در این آیه پیامبر گرامی اسلام مأموریت دارد که بگوید: من این راه را بی‌اطلاع یا از روی تقلید نمی‌پیمایم بلکه خود و پیروانم از روی آگاهی و بصیرت همه مردم جهان را به سوی این راه دعوت می‌کنیم.

جمله «عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» نشان می‌دهد که هر مسلمانی پیرو پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است به نوبه خود دعوت‌کننده به سوی حق است و باید با آگاهی و بصیرت دیگران را به راه «الله» دعوت کند.

و نیز نشان می‌دهد، که «رهبر» باید دارای بصیرت و بینائی و آگاهی کافی باشد وگرنه دعوتش به سوی حق نخواهد بود.

در واقع از وظایف یک رهبر راستین این است که با صراحت برنامه‌ها





و اهداف خود را اعلام کند، و هم خود و هم پیروانش از برنامه واحد و مشخص و روشنی پیروی کنند، نه این که هاله‌ای از ابهام، هدف و روش آن‌ها را فرا گرفته باشد و یا هر کدام به راهی بروند.

اصولاً یکی از راه‌های شناخت رهبران راستین از رهبران دروغین همین است، که رهبران راستین با صراحت سخن می‌گویند و راهشان روشن است، ولی رهبران دروغین برای این که بتوانند سرپوشی به روی کارهای خود بگذارند، همیشه به سراغ سخنان مبهم و چندپهلوی می‌روند.

۶. صاحبان بصیرت در ردیف خدا و ملائکه آل عمران ۱۸: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَانِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ»؛ خداوند گواهی می‌دهد، که معبودی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش (هر کدام به گونه‌ای بر این مطلب) گواهی می‌دهند، در حالی که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد، معبودی جز او نیست که هم توانا و هم حکیم است.

نکته‌ای که در این آیه قابل توجه است این است که در این آیه از بین تمامی انسان‌ها، یک گروه هستند که به توحید و یگانگی خداوند شهادت می‌دهند و آن گروه کسانی‌اند که دارای بصیرت و علم هستند. و همین ویژگی باعث شده است که آن‌ها در کنار خدا و ملائکه قرار گیرند.

۷. ایجاد بصیرت هدف از برخی وقایع

الف. برگرداندن حضرت موسی به مادرش برای ایجاد بصیرت  
قصص ۱۳: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ»؛ ما او را به مادرش بازگردانیم تا چشمش روشن شود، غمگین نباشد و بداند وعده الهی حق است.

علم پیدا کردن و بصیرت پیدا کردن همان نقطه معرفتی است که در این فراز از داستان حضرت موسی رسیدن به آن، هدف قرار گرفته است.

ب: مطلع ساختن مردم بر اصحاب کهف برای ایجاد بصیرت  
کهف ۲۱: «وَكَذَلِكَ أَعْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا...»؛ و این چنین مردم را متوجه حال آن‌ها کردیم، تا بدانند وعده (رستاخیز) خداوند حق است و در پایان جهان و قیام قیامت شکی نیست

....



بعضی از مورخان می‌نویسند: در آن ایام که اصحاب کهف از خواب بیدار شدند، زمامدار صالح و موحدی بر آن‌ها حکومت می‌کرد، ولی هضم مسأله معاد جسمانی و زنده شدن مردگان بعد از مرگ، برای آن محیط مشکل بود، جمعی از آن‌ها نمی‌توانستند باور کنند که انسان بعد از مردن به زندگی بازمی‌گردد؛ ماجرای خواب اصحاب کهف دلیل دندان‌شکنی شد، برای آن‌ها که طرفدار معاد جسمانی بودند. از این رو خداوند در این آیه می‌گوید: همانگونه که آن‌ها را به خواب فرو بردیم از آن خواب عمیق و طولانی بیدار کردیم و مردم را متوجه حالشان نمودیم، تا بدانند و بصیرت پیدا کنند که وعده رستاخیز خداوند حق است.

۸. «علم و بصیرت» مزیت حضرت آدم بر ملائکه  
 بقره ۳۳، ۳۲، ۳۱: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ، قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ»؛ پس علم اسماء [علم اسرار آفرینش و نامگذاری موجودات] را همگی به آدم آموخت. بعد آن‌ها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: «اگر راست می‌گویید، اسامی این‌ها را به من خبر دهید!» فرشتگان عرض کردند: منزهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما تعلیم داده‌ای، نمی‌دانیم، تو دانا و حکیمی، فرمود: «ای آدم، آنان را از اسامی (و اسرار) این موجودات آگاه کن» هنگامی که آنان را آگاه کرد، خداوند فرمود: آیا به شما نگفتم که من، غیب آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و نیز می‌دانم آنچه را شما آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید.

